University of Sistan and Baluchestan

Journal of Historical Researches of Iran and Islam

Print ISSN: 2345 - 2099
Online ISSN: 2717 - 2953

Explanation and Analysis of the position of court women on the rock reliefs and coins related to Bahram II (276-293 B.C)

Parvin Davari [1] ✉ **Mahmoudreza Koohkan** [2] **Esmaeil Sangari** [3]

1. (Corresponding author) Ph.D. Student of Ancient History of Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran, Email: *parvin.davari68@gmail.com.*
2.Assistant professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran, Email: *mrkoohkan1352@pnu.ac.ir.*
2.Associate Professor,Department of History, Faculty of Literature and Humanities,University of Isfahan,Isfahan,Iran; e-mail: e.*sangari@ltr.ui.ac.ir*

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 23Augu2023
Received in revised form:16Nove2023
Accepted: 8Dece2023
Publishedonline:5Janu2024

Key word:
Sasanians,
Bahram II,
Women,
Rock reliefs,
Coins.

ABSTRACT

Bahram II was crowned as the fifth Sasanian king in 276 A.D. When he came to the power and crowned in the court, like his ancestor, Ardaxšīr Bābakān, he tried to depict his victories over the enemies and also his crowning on the rock reliefs in order to legitimize his kingship and stabilize his power. Among Bahrām II archeological and artistic works, his rock reliefs and coins are very various and prominent, compared to his ancestors which shows a change. Also, among Sasanian kings, women's presence in Bahram II rock reliefs is more seen than any other Sasanian king, especially in his coins. Based on written evidences and in a descriptive-analytical way, the current research aims to analyze the position of women in the reliefs and coins of Bahram II. Based on the written and archaeological evidences, the widespread presence of women in the coins and reliefs of Bahram II -compared with his predecessors- can be attributed to the special status of some court women and their empowerment during the reign of Bahram II.

Cite this article: **Davari, Parvin & Koohkan, Mahmoudreza & Sangari, Esmaeil** (2024). **Explanation and Analysis of the course of scientific communication between Isfahan and Basra scientists in the first three centuries of Hijri with emphasis on Hadith science.** Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 17, No.33 Pages: 107-126.

DOI. 10.22111/JHR.2023.45578.3562

© The Author: **Parvin Davari& Mahmoudreza Koohkan & Esmaeil Sangari**
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

شاپا چاپی: ۲۳۴۵-۲۰۹۹
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۵۳

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام

تبیین و تحلیل جایگاه زنان نژادهٔ دربار بر نگاره‌کندها و سکه‌های بهرام‌دوم ساسانی(۲۹۳-۲۷۶م.)

پروین داوری[۱] ✉ محمودرضا کوه‌کن[۲] اسماعیل سنگاری[۳]

۱.(نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری ایران قبل از اسلام ،گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران .رایانامه: parvin.davari68@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ رایانامه: mrkoohkan1352@pnu.ac.ir
۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.رایانامه: e.sangari@ltr.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:۱۴۰۲/۰۵/۱۷
تاریخ بازنگری:۱۴۰۲/۰۸/۲۵
تاریخ پذیرش:۱۴۰۲/۰۹/۱۷
تاریخ انتشار:۱۴۰۲/۱۰/۱۵

واژه‌های کلیدی:
ساسانیان،
بهرام دوم،
زنان،
نگاره‌کندها،
سکه‌ها.

چکیده

بهرام دوم، به عنوان پنجمین پادشاه ساسانی در سال ۲۷۶میلادی بر اورنگ شاهی تکیه زد. زمانی که بهرام دوم به قدرت رسید، وی نیز همچون نیای خویش، اردشیر بابکان، برای مشروعیت بخشیدن به پادشاهی و تحکیم پایه‌های حکومت خویش، مبادرت به نقر صحنه‌های یادمانی، پیروزی و دیهیم‌ستانی کرد و صحنه‌هایی از دیهیم‌ستانی و پیروزی بر دشمن را بر روی نگاره‌کندها از خویش به یادگار گذاشت. در میان آثار هنری و باستان‌شناختی بر جای مانده از بهرام دوم، نگاره‌کندها و مسکوکات وی از تنوع قابل توجهی نسبت به آثار اسلافش برخوردارند و تحولی در آن‌ها دیده می‌شود. همچنین، در میان شاهان ساسانی، زنان بیشترین حضور را در نگاره‌کندهای بهرام دوم دارند و در مسکوکات وی نیز در قالب شهبانو، حضور پررنگی را تجربه می‌کنند. پژوهش حاضر با تکیه بر شواهد مکتوب و به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی بر آن است تا جایگاه زن در نگاره‌کندها و مسکوکات بهرام دوم را مورد واکاوی قرار دهد. بر پایهٔ شواهد مکتوب و باستان‌شناختی، حضورگسترده زنان در مسکوکات و نگاره‌کندهای دوره بهرام دوم نسبت به اسلافش را می‌توان به جایگاه ویژه برخی از زنان درباری و قدرت‌گیری آنان در حکومت بهرام دوم نسبت داد.

استناد: داوری،پروین و کوهکن ، محمودرضا و سنگاری اسماعیل (۱۴۰۲) **تبیین و تحلیل جایگاه زنان نژادهٔ دربار بر نگاره‌کندها و سکه‌های بهرام‌دوم ساسانی(۲۹۳-۲۷۶م.)** ،پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، دوره ۱۷، شماره ۳۳، ص ۱۰۷-۱۲۶.

DOI. 10.22111/JHR.2023.45578.3562

© نویسندگان . پروین داوری و محمودرضا کوهکن و اسماعیل سنگاری

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

بهرام دوم در روزگار پادشاهی خویش بر ایرانشهر، افزون بر آن‌که به تبعیت از اخلاف خود صحنه‌هایی از دیهیم‌ستانی و غلبه بر دشمنانش را در نگاره‌هایش به نمایش گذارد، به موضوعات متنوع دیگری نیز پرداخت(پرادا، ۱۳۸۳: ۲۹۹)؛ به‌گونه‌ای که در نگاره‌کندها و مسکوکات وی صحنه‌های درباری و خانوادگی بازتاب بیشتری یافته و نسبت به دیگر پادشاهان، مسکوکات وی نیز از تنوع قابل توجهی بهره‌مند شدند(آلرام، ۱۳۹۲: Haerinck & Overlaet, 2009: 533; Herrmann and Curtis, 2002: Sasanian Rock Reliefs). بدین‌سان، از روی این شواهد، می‌توان بر نگرش و نوع نگاه و تفکر این شاهنشاه ساسانی آگاهی یافت؛ همان‌گونه که از روی نگاره‌هایِ اردشیر اول می‌توان تأیید ایزدی و مشروعیت اعطاء شده را بازشناخت یا از روی نگاره‌های شاپور اول عظمت پیروزهایش بر روم را جستجو کرد(هرمان، ۱۳۹۶: ۶۰). شاید بتوان با در نظر داشتن نگاره‌ها و مسکوکات بهرام دوم، اعطای مشروعیت دینی و خاندانی را در این نگاره‌ها و مسکوکات بازشناخت. با روی کار آمدن بهرام دوم(۲۹۳–۲۷۶م.)، کردیر دارای قدرت فزاینده‌ای شد، به‌گونه‌ای که بهرام دوم به وی عنوان «کردیر بُختِ روانِ ورهران اورمزد موبد» را اعطا کرد و کردیر را در زمرهٔ بزرگان کشور قرار داد و ریاست آتشکدهٔ معبد آناهیتا را در استخر به او سپرد(هینتس ۱۳۹۲: ۲۵۵؛ Haerinck & Overlaet 2009: 533). بدین‌سان، در پشت سلطنت ظاهری بهرام دوم، قدرت واقعی در دست او بوده است(فرای۱۳۸۹: ۲۲۸). به نظر می‌رسد زمینهٔ جانشینی بهرام دوم توسط وی مهیا شده بود(هرمان، ۱۳۹۶: ۶۰) بدین‌سان که تحت نفوذ کردیر، و با حمایت‌های همسرش شاپوردختک به چنین جایگاهی با وجود مدعیان سلطنت دست یافته بود. چنان‌که نخستین حضور زن ساسانی در نگاره‌کند نقش رجب اردشیر اول به نمایش در آمده است(محمدی‌فر و امینی، ۱۳۹۴: ۲۲۶؛ Brosius, 2000: Women I: In Pre-Islamic Persia). در واقع، اردشیر اول با این نقش برجسته تصویر خانوادهٔ خود را بر مجموعهٔ بازنمایی‌های شاهی افزود و جانشینان او هم این شیوه را ادامه دادند(بروسیوس، ۱۳۹۲: ۲۱۳). در کتیبه کعبه زردشت نیز اسامی زنان خاندان سلطنتی ذکر گردیده است، علاوه بر نام این زنان، شاپوراول آتشکده برای اعضای خانواده خود برپا کرده است که نام آدُرآناهید نیز در این میان به چشم می‌خورد. افزون براین، حضور شانزده زن در کتیبه کعبه زردشت شاپور اول نشانگر اهمیت و نقش مهم آنان می‌باشد(نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۰–۲۹). همچنین در فهرست درباریان شاپور اول نام دینگ آمده است و او تنها زنی است که نامش

در فهرست درباریان شاپور ذکر گردیده و این جایگاه نشانگر قدرت او می‌باشد(نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۰). با این حال، یکی از مشکلات در نگاره‌ها تعیین هویت صاحبان نقش‌برجسته‌ها است(محمدی‌فر، ۱۳۹۶: ۲۰۳؛ Sangari, 2013: 54) به گونه‌ای که بین پژوهشگران در انتصاب دو نگاره‌کند برم‌دلک و تنگ قندیل(سراب قندیل) اختلاف آراء وجود دارد. نظر غالب آن است که این نگاره‌ها متعلق به بهرام دوم می‌باشند. در نگاره‌کندهای نقش رستم، سرمشهد، برم‌دلک و تنگ قندیل حضور زن با موضوعات متفاوتی به چشم می‌خورد. با این حال، این سوال مطرح است که بهرام دوم تا چه میزان و با چه هدفی اجازه حضور و به تصویر کشیده شدن زن/ زنان را در نگاره ها و سکه‌ها خود مهیا کرده بود؟

در این میان آن‌چه سبب شد تا به موضوع زن در نگاره‌کندها و مسکوکات بهرام دوم پرداخته شود، نبود پژوهشی مستقل در زمینهٔ زنان دورهٔ پادشاهی وی بوده است. در بیشتر پژوهش‌های ساسانی، به توصیف نقوش اکتفا شده و کمتر به حضور زنان حاضر بر آن‌ها توجه شده است. حال آنکه با تحلیل نگاره‌ها و مسکوکات بهرام دوم می‌توان نقش زنان نژاده را در به قدرت رسیدن و مشروعیت بخشی به پادشاهی بهرام دوم مورد توجه قرار داد.

پیشینهٔ پژوهش

تا امروز چندین پژوهش مستقل در باب نگاره‌کندها و سکه‌های بهرام دوم ساسانی از سوی پژوهشگران صورت پذیرفته است. در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

شهبازی(۱۹۸۸م.) به چگونگی به قدرت رسیدن بهرام اول می‌پردازد اما نقش زنان را در این قدرت‌گیری بر نمی‌شمرد، اوورلا(۲۰۱۰م.) در مقالهٔ خود به اهمیت جایگاه شاپوردختک در حکومت بهرام دوم اشاره دارد اما تحلیل بر دلیل این جایگاه به دست نمی‌دهد، واندنبرگ(۱۹۸۸م.) به بررسی نقش برم دلک پرداخته و شخصیت‌های موجود در نگارکند را بررسی می‌کند با این حال تحلیلی درباب حضور زن در این نقش برجسته نمی‌توان دست یازید، هینتس(۱۳۹۲) نیز به بررسی نقش برجسته مذکور پرداخته، وی بر این نظر است که شاید این تصویر زن متعلق به الهه باشد. افزون بر این، آلرام و گیزلن(۲۰۱۲م.) در کتاب ''Sylloge Nummorum Sasanidarum. Tome II. Ohrmazd I. Ohrmazd II''، گاریبلدی (۱۳۹۵) در کتاب *تاریخ و سکه‌های ساسانی*، نیز به توصیف نگاره‌ها و سکه‌ها و اشخاص حاضر در آن پرداخته‌اند اما هیچ یک تحلیل خاصی در رابطه

با چرایی حضور زن/زنان در مسکوکات و نگاره‌کندها ارائه نمی‌دهند. این پژوهش بر آن است به توصیف و تحلیل نگاره‌ها و مکسوکات بهرام دوم پرداخته و چرایی حضور این زنان را در نگاره‌ها و سکه‌ها مورد مداقه قرار دهد.

نگاره‌ها

نگاره‌کند نقش‌رستم؛ استمالت از کردیر یا نفوذ شاپوردختک

دو مورد از نگاره‌های بهرام دوم در این مکان به تصویر درآمده است. صحنهٔ حضور بهرام دوم در کنار خانواده و درباریان یکی از این نقوش است(تصویر ۱و۲) که بر روی یک نقش‌برجسته ایلامی که بقایایی از تصاویر آن در سمت راست و چپ باقی‌مانده، نقر شده است(پرادا، ۱۳۸۳: ۲۹۹؛ هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۲۹؛ Khanipoor, 2017: 58). در این نقش برجسته، بهرام، اعضای خانوادهٔ خود را در نگاره‌ای به تصویر کشیده است(هینتس، ۱۳۹۲: ۲۷۲؛ Shahbazi, 1988: Bahrām II In Pre-Islamic Persia ; Brosius, 2000: Women I:). در این نگاره، شاهنشاه به صورت تمام‌رُخ به نمایش در آمده است(هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۲۹). در هر دو سوی شاه، شماری از اعضای خانواده و درباریان حضور دارند(پرادا، ۱۳۸۳: ۲۹۹) که تنها تندیس آنان نمایان است(هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۲۹). در یک صحنه، تصویر ملکه به نمایش درآمده است(Herrmann and Curtis, 2002: Sasanian Rock Reliefs; Herrmann, 1970: 168). شهبازی و هینتس همچون لوکونین این ملکه را شاپوردختک(Šābuhr-duxtag) –دختر میشان‌شاه شاپور– یعنی نوهٔ شاپور اول معرفی می‌کنند(لوکونین، ۱۳۵۰: ۱۷۴؛ هینتس، ۱۳۹۲: ۲۶۳؛ موسوی حاجی و سرافراز، ۱۳۹۷: ۱۶۶؛Shahbazi, 1988: Bahrām II; Frye 1984: 304). لوکونین بر این باور است که دو بانو مشهور به این نام بودند. یکی از آنان همان دختر شاپور میشان‌شاه و دیگری دختر شاپور یکم که در ۲۶۲م. عنوان «شهبانوی سکایان» داشت و به همسری برادرش نرسی درآمده بود(لوکونین، ۱۳۵۰: ۱۷۴). افزون‌بر این، بروسیوس انتصاب شاپوردختک به شاپور میشان‌شاه را غیرمحتمل می‌داند(Brosius, 2000: Women I: In Pre-Islamic Persia). سودآور نیز با بروسیوس هم عقیده است. وی شاپوردختک را همان دختر شاپور اول می‌داند و بر این باور است که وی از زنان پرنفوذ دربار بوده و در انتصاب بهرام دوم به پادشاهی نقش داشته است(سودآور، ۱۳۸۳: ۸۶). شایان ذکر است که به تصویر درآوردن اعضای خانواده و درباریان بر آثار هنری عصر ساسانی تازگی ندارد. پیش از بهرام دوم، اردشیر اول نیز در نگاره‌کند نقش‌رجب در صحنهٔ دیهیم‌ستانی با حضور اهوره‌مزدا،

ملکه و دیگر اعضای خانواده خود را به تصویر در آورده است(هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۱۷؛ محمدی‌فر و امینی، ۱۳۹۴: ۲۲۶؛ Sangari, 2020: 145-146)(تصویر ۳). هینتس با توجه به حضور مؤبدان مؤبد، کردیر در این نقش برجسته، این نگاره‌کند را کار و ایدهٔ وی می‌داند(هینتس، ۱۳۹۲: ۲۶۴). به باور هرمان، صحنه‌هایی از این دست بر مشغول بودن ذهن پادشاه به امور داخلی، استمالت از کردیر و خشنود کردن جناح‌های قدرت در دربار دلالت دارد(۱۳۹۶: ۶۱). شاید بتوان با نظر هرمان هم سو شد، بدان جهت که، بهرام دوم در مقطعی از دوران حکومت خود با شورش برادرش هرمزد در بخش شرقی و نبرد با رومیان مواجه بود. مسلماً در پی این نبردها قدرت وی دچار افول گردیده بود و بیش از هر زمان دیگری به حمایت اشراف و کردیر نیازمند بود تا بتواند پایه‌های قدرت خویش را تحکیم بخشد و به دنبال آن، درصدد باشد حمایت آنان را با نقش کردن تصاویرشان بر نگاره‌کندهایش بازتاب دهد.

اگر این کار و دیدگاه، ایدهٔ کردیر باشد، می‌توان چنین استنباط کرد که بهرام دوم با به تصویر کشیدن حامی خود سعی در استنباط محق بودن و ارجحیت خود نسبت به سایر رقیبان را داشت. دو دیگر آن که حضور شهبانوی بهرام دوم در کنار وی نشان‌دهنده جایگاه و ذی‌نفوذ بودن این بانو برای ایجاد مشروعیت سلطنت بهرام دوم نسبت به سایر رقبا وی باشد.

نگاره‌کند سرمشهد؛ مفهومی انتزاعی یا الگوبرداری ایلامی

این نگاره‌کند برای نخستین‌بار توسط هرتسفلد معرفی شد (تصویر ۴). در این نگاره‌کند شاهد به نمایش درآمدن مضمونی حماسی هستیم(هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۳۰؛ طاهری،۱۳۹۶: ۱۳۸). این نگاره‌کند، مجلسی از بهرام دوم را می‌نمایاند که شاه در مواجهه با حملهٔ دو شیر، یکی را کشته و شیر دوم را که در حال یورش و جهیدن بر وی است، با شمشیر نشانه رفته و هم‌زمان با دست چپ خود شهبانو را در پناه خود دارد. ولیعهد و کردیر نیز پشت سر پادشاه و ملکه ایستاده‌اند(هرتسلفد، ۱۳۸۱: ۳۳۰؛ هینتس، ۱۳۹۲: ۲۸۲؛ واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۵۳؛ Sangari, 2020: 149؛ Herrmann and Curtis, 2002: Sasanian Rock Reliefs). پرادا این نقش‌برجسته را یک کار غیر عادی تلقی می‌کند شاید بدان جهت که در هیچ یک از نگاره‌کندهای ساسانی چنین صحنه‌ای به نمایش در نیامده است و بر این باور است که موضوع این نگاره ممکن است ترجیحی شخصی و تحت تاثیر سکه‌سازی رومی یا تحت‌تأثیر نقش‌برجستهٔ ایلامی(گردهم‌آیی خانوادگی در مالامیر) و الگوبرداری از آن مبادرت به این کار کرده است(پرادا، ۱۳۸۳: ۲۹۹). با وجود این، هرتسفلد تصویر را ملهم از

یک رویداد واقعی قلمداد نمی‌کند(هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۳۰). شایان ذکر است که شیر از مهم‌ترین کهن الگوها در میان ایرانیان به شماره می‌آمد(طاهری، ۱۳۹۶: ۱۳۱)، به‌گونه‌ای که پادشاهان بسیاری برای اثبات دلاوری خود نقشی از خود در حال شکار شیر بر جای نهاده‌اند(طاهری، ۱۳۹۶: ۱۳۸). می‌توان چنین استنباط کرد که این صحنه شکار دارای یک مفهوم انتزاعی بوده، یادآور غلبهٔ بهرام دوم بر دشمنان است. چنان که در زمان به قدرت رسیدن بهرام دوم نرسه عموی وی نیز شایستگی پادشاهی را داشته است اما نفوذ و قدرت کردیر این موقعیت را برای بهرام دوم مهیا کرد که بر اریکه قدرت تکیه زند و مدعیان تاج و تخت را کنار نهد(سودآور، ۱۳۸۳: ۸۷). همچنین امتیازاتی که به کردیر در دوران بهرام دوم اعطا گردیده نیز می‌تواند نشات گرفته از این کار باشد. دو دیگر آن که وی با اتکا به همسرش، شاپوردختک، توانسته از این پیروزی بهره‌مند گردد(تصویر ۵). به نظر نگارندگان، از آنجا که کردیر و شاپوردختک(تصویر ۶) هر دو در این صحنه حضور دارند شاید بتوان حضور آنان را چنین توجیه کرد که این نگاره بازگوکننده حمایتی است که از جانب آنان نسبت به بهرام دوم اعمال می‌شده است به خصوص آن‌که کردیر به دلیل نفوذی که داشته، بهتر می‌توانست درباریان را همسو با بهرام دوم کند. افزون بر این، در صحنهٔ نگاره‌کند، بهرام دوم دست در دست شاپوردختک دارد. شاید با این حرکت نمادین، بهرام دوم خواستار القای این اندیشه بوده که با حمایت و پشتیبانی شهبانوی خود توانسته بر دشمنان فایق آید. در این نگاره بهرام دوم با دست چپ دست شاپوردختک را گرفته است(لوکونین، ۱۳۵۰: ۳۱۸). شاهنشاه شیری را با دست راست می‌کشد یعنی غلبه‌اش بر آن حیوان به اتکای همسرش می‌باشد همچنین در این صحنه غلاف شمشیر شاهنشاه به جای آنکه به کمرش آویزان باشد در دست همسرش قرار دارد. درواقع این صحنه نشان از آن دارد که شاهنشاه با اتکای به حمایت و پشتیبانی همسرش به شاهنشاهی نائل گردیده است(سودآور، ۱۳۸۳: ۸۷).

نگاره‌کند برم‌دلک؛ ازدواج خویدوده یا تنها اعطای نماد باروری

نگاره‌کند برم‌دلک یکی از بحث برانگیزترین نقوش ساسانی است و نظرات مختلفی دربارهٔ شخصیت‌های حاضر در آن ارائه گردیده است(Vanden Berghe, 1988: 805) (تصویر ۷). بازشناسی این نگاره بیشتر توسط اِردمن انجام پذیرفته است(هینتس، ۱۳۹۲: ۲۸۶). در این نگاره‌کند، مردی ایستاده با دست راست گلی را به زنی که بنابر احتمال همسرش می‌باشد، تقدیم می‌کند(محمدی‌فر و امینی، ۱۳۹۴: ۲۳۴؛ Sangari, 2020: 148-149; Vanden Berghe,

805 :1988). بیشتر پژوهشگران آن شیء را گُل می‌دانند(Overlaet, 2010: 339). بایست یادآور شد که از میان شواهد باستان‌شناختی و فرهنگی بر جای مانده از ساسانیان، این گونه مضمون‌ها بر روی مهرها نمود بیشتری داشته‌اند که اغلب زوجین را با گلی در دست نشان می‌دهند(Brosius, 2000: Women I: In Pre-Islamic Persia). شایان ذکر است که گُل در میان ساسانیان دارای اهمیت بوده است. به گونه‌ای که، در متون پهلوی همچون بندهش، اطلاعاتی در بابِ گل‌ها و انواع آن‌ها وجود دارد. در متون مکتوب بر جای مانده شواهد بیانگر آن است که هر گلی به یکی از ایزدان و امشاسپندان تعلق دارد(بندهش،۱۳۹۷: ۸۸) پس می‌توان چنین پنداشت که هر گلی نمایانگر نمادی بوده است.

افزون بر این، پژوهشگران در مورد هویت اشخاص و نماد موجود در این نگاره، نظرات مختلفی دارند. در قسمت پایین نگاره‌کند نیز نبشته‌ای آسیب دیده وجود دارد(هینتس، ۱۳۹۲: ۲۸۶؛ محمدی‌فر و امینی، ۱۳۹۴: ۲۳۴). گرد گروپ ترجمه‌ای از آن به دست داده است که در آن اذعان شده «این پیکر از آن اردشیرآناهید(Ardaxšīr-Anāhīd) دختر بهرام» است(هینتس، ۱۳۹۲: ۲۸۷؛ حسنی، ۱۳۹۳: ۷۵). بنابر این نوشته، می‌توان پنداشت که متن نقر شده به دختری از بهرام اول اشاره دارد(هینتس، ۱۳۹۲: ۲۸۷). هینتس وی را همسر/خواهر بهرام دوم می‌داند و بر این باور است که آنان ازدواج خویدوده کرده‌اند(۱۳۹۲: ۲۸۹). با وجود این، اطلاعات زیادی در مورد اردشیر آناهید وجود ندارد تا بتوانیم اظهار نظر قاطعی در بابِ وی ارائه دهیم. بایستی افزود که اِردمن صحنهٔ این نگاره‌کند را اعطای نماد باروری به ملکه توسط یک شخصیت برجسته می‌داند(Vanden Berghe, 1988: 805). لوکونین زن حاضر در صحنه را همسر ارشد بهرام دوم، شاپوردختک و مرد اعطاکننده گل را کردیر ذکر می‌کند(۱۳۵۰: ۱۸۱ و۳۱۷) که گل اناری(؟) را به آن بانو اعطا می‌کند(لوکونین، ۱۳۵۰: ۱۸۱). موسوی حاجی و سرافراز با مقایسه سیمای کردیر در نقش برجسته‌های وی و با ارائهٔ دلایلی، انتساب شخص مرکزی به‌عنوان کردیر را رد می‌کنند و شخصیت مرکزی را بهرام دوم می‌دانند(موسوی حاجی و سرافراز، ۱۳۹۷: ۱۵۱). اما هینتس آن گل را گل نیلوفر که سمبل باروری است، ذکر می‌کند که نرسه و نه بهرام دوم، آن را به برادرزادهٔ خود اعطا می‌کند(۱۳۹۲: ۲۸۶ و ۲۸۹). اما به عقیده نویسندگان این گل می‌تواند گل انار باشد. هینتس دلیل اعطای گل نیلوفر توسط نرسه به اردشیرآناهید را به نشانهٔ تبریک و موافقت با ازدواج خویدوده می‌داند(۱۳۹۲: ۲۹۳) و این‌که شاید ازدواج خویدوده کار کردیر باشد(هینتس، ۱۳۹۲: ۲۹۲). شایان ذکر است که

چون در نگاره، ساقه و ریشه و پیازِ گل مشخص نیست به‌طور حتم نمی‌توان تعیین کرد که آن گل به کدام گونه تعلق دارد(Overlaet, 2010: 340). اوورلا این گل را «زنبقِ پارسی» می‌داند که در حوالی شیراز رشد می‌کرد(Overlaet, 2010: 340) و بر این باور است، چون این گل در مناطق کوهستانی همچون برم‌دلک وجود داشت، شاید بتوان وجود آن را در این صحنه توجیه کرد(Overlaet, 2010: 340). واندنبرگ نیز صحنه را متعلق به بهرام دوم و همسرش می‌داند و ذکری از نام همسر بهرام دوم نمی‌کند(واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۵۲-۵۳؛ Vanden Berghe, 1988: 805). موسوی حاجی و سرافراز آن زن را شاپوردختک می‌دانند و صحنه را متعلق به ازدواج بهرام دوم با شاپوردختک که کمی قبل از تاجگذاری رسمی وی برای شاهنشاهی صورت گرفته، می‌دانند و آن را صحنه‌ای به یادبود ازدواج بهرام دوم با شاپوردختک که در دوران ولیعهدی صورت گرفته، ذکر می‌کنند(موسوی حاجی و سرافراز، ۱۳۹۷: ۱۵۱-۱۵۲؛ Frye, 1984: 304). شهبازی نیز با مقایسه آن با نگاره‌کند تنگِ قندیل این صحنه را نمادی از نامزدی یا پیمان ازدواج بین زن و مرد می‌داند(Overlaet, 2010: 339; Shahbazi, 1998: 59). بروسیوس نیز این دو نگاره را تصویری از ازدواج سلطنتی می‌داند(Brosius, 2000: Women I: In Pre-Islamic Persia). در واقع هدیه دادن گل از سوی همسر به شوهر یا بالعکس را شاید بتوان به منزلهٔ پیوند زناشویی یا ابراز عشق زوجین به یکدیگر تلقی کرد(موسوی حاجی و سرافراز،۱۳۹۷: ۱۵۰) (تصویر ۸).

نگاره‌کند تنگ قندیل؛ پیشکش شاهانه یا نماد باروری

این صحنه نیز به گونه‌ای مشابه صحنهٔ نقش‌برجستهٔ برم‌دلک است. در واقع، با بررسی هنری این نگاره‌کند مشخص شد که پیشکش یک گل بین زن و مرد ریشه در هنر ساسانی دارد(Overlaet, 2010: 339). در این صحنه، پادشاه در حال گرفتن گلی از دست زنی (شهبانو؟) می‌باشد(محمدی فر و امینی، ۱۳۹۴: ۲۳۰؛ Brosius, 2000: Women I: In Pre-Islamic Persia). البته نحوه بده و بستان در اعطای گل کاملاً واضح نیست و شاید پادشاه در حال اعطای گل به بانوی روبروی خویش است. طی تحقیقات صورت گرفته به دلیل شباهت زیاد نقش‌برجستهٔ تنگ قندیل با نگاره‌کند برم‌دلک، انتساب نقش‌برجستهٔ تنگ قندیل به بهرام دوم طرفداران بیشتری داشته است(حسنی، ۱۳۹۳: ۷۵). گرچه برخی از پژوهشگران در مورد شخصیت‌های این نگاره نظرات متفاوتی دارند، به گونه‌ای که برخی حتی شخصیت مرکزی را شاپور اول و آن زن را آذرآناهید(Ādur-Anāhīd) -ملکهٔ شاپور اول- می‌دانند و برای قوت بخشیدن بر استدلال خویش

به مقایسهٔ زن درباری بر روی موزاییک بیشاپور و این زن بر روی نگاره، انتساب این نقش برجسته به شاپور اول را مسجل می‌کنند(موسوی حاجی و سرافراز، ۱۳۹۷: ۱۴۳–۱۴۵). با این حال، گیرشمن، واندنبرگ و فرای همگی شخصیت مرکزی نقش برجسته را بهرام دوم دانسته‌اند(حسنی، ۱۳۹۳: ۷۵). در این نگاره نیز نمی‌توان با اطمینان گل را تشخیص داد که از کدام گونهٔ بومی فلات ایران و منطقهٔ فارس باستان است (تصویر ۹).

برخی پژوهشگران تاریخ و فرهنگ ساسانی، حضور بهرام دوم در نگاره‌کند برم‌دلک و تنگ‌قندیل را رد می‌کنند و آن مرد را شاهزاده جانشین یا شخصیتی برجسته و صاحب‌منصب می‌دانند که گلی به زنی می‌دهد یا دریافت می‌کند(Haerinck & Overlaet, 2009: 533). دو دیگر آن‌که نگاره‌کندهای برم‌دلک و تنگ‌قندیل را از نقوش رسمی شاهنشاهی ساسانی قلمداد نمی‌کنند(Haerinck & Overlaet, 2009: 535). جورجینا هرمان نیز بر این نظر است که تندیس‌های کردیر حکایت از آن دارد که در زمان بهرام دوم افراد صاحب‌منصب درباری، اجازهٔ نقر کردن نگاره داشتند. هرمان رواج این هنر را در قدرت فزاینده خاندان‌های بزرگ می‌داند که موجب ایجاد نقوش برجسته غیر رسمی یا شخصی شده است(۱۳۹۶: ۶۱). با وجود این، محتمل‌تر آن است که این دو نگاره را متعلق به بهرام دوم بدانیم(Haerinck & Overlaet, 2009: 533). حتی می‌توان چنین استنباط کرد که این دو صحنه از نقوش رسمی نبوده و می‌توان از این دو صحنه چنین استنباط کرد که بهرام دوم با نقر این صحنه‌ها خواهان تأکید بر ازدواج و باروری داشته است(تصویر ۱۰). اگر این گل را بتوان نیلوفر در نظر گرفت، بر مبنای تفسیری که بر نقش‌مایهٔ این گل می‌توان داشت، باید گفت که نیلوفر نمادی از آناهیتا بوده است که الهه باروری و عشق بوده است. در صورتی که آن را انار فرض کنیم می‌توان گفت که گل انار در دیانت زردشتی از اهمیت والایی برخوردار بوده و نماد باروری بوده است(اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۲۸). حال اگر دیدگاه برونو اوورلا را به عنوان مبنا قرار دهیم، می‌توان گفت که بر پایهٔ شواهد مکتوب بر جای مانده از متون پهلوی، گل زنبق نمادی از امرداد می‌باشد(بندهش،۱۳۹۷: ۸۸). امرداد نماد فناناپذیری و جاودانگی است.

سکه‌ها

سکه‌های ساسانی در کنار دیگر شواهد باستان‌شناختی، نظیر مهرها، نگاره‌کندها، موزاییک‌ها، ظروف نقره‌ای، پارچه‌ها و دیگر منابع فرهنگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند؛ زیرا منبع گران‌بهایی از اطلاعات دربارهٔ تاریخ، فرهنگ و حیات اقتصادی دولت ساسانی را در بر دارند(سلوود، ۱۳۸۹: ۴۲۹).

بر روی سکه‌های دورهٔ ساسانی در هر واحدی تصویر نیم رخ راست پادشاه نقش می‌شد و این شیوه در تضاد با سکه‌های اشکانی است که نیم‌رخ چپ مرسوم بوده است(سلوود، ۱۳۸۹: ۴۳۱؛ گوبل، ۱۳۹۱: ۶۴-۶۵؛ گاریبلدی، ۱۳۹۵: ۱۹). غالبا سکه‌های ساسانی تا پیش از به سلطنت رسیدن بهرام دوم از الگوی خاصی پیروی می‌کنند، اما در دورهٔ بهرام دوم شاهد ضرب سکه‌هایی با قالب‌های متنوع هستیم(آلرام، ۱۳۹۲: ۳۲؛ گوبل، ۱۳۹۱: ۱۲۳)؛ هیچ پادشاه ساسانی به اندازهٔ بهرام دوم سکه‌هایی با پشت و روی متنوع ضرب نکرده است(آلرام، ۱۳۹۲: ۳۲؛ گوبل ۱۳۹۱: ۱۲۳)؛ به گونه‌ای که در زمان بهرام دوم تصاویر گروهی نمود می‌یابد(آلرام ،۱۳۹۲: ۳۲). بایستی افزود که این تصاویر گروهی در سکه‌زنی رومی نیز مشهود است. گویی بهرام دوم آگاهانه در جهت مشروعیت برای خود و جانشینش سکه‌زنی امپراتوری روم را الگو قرار داده است(گاریبلدی، ۱۳۹۵: ۱۳؛ گوبل، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۶). این عمل به علت حفظ مشروعیت وی در برابر شورش‌های داخلی(هرمز کوشان شاه) و ادعا طغیان‌گران علیه جانشینی آنان بوده است(Rezakhani, 2017: 79-85) از سویی، شاید بتوان حضور شهبانو و ولیعهد بر سکه‌های بهرام دوم را بازتابی از سنت هنری ساسانیان دانست که نمونهٔ مشهود آن در نگاره‌کندها مشهود است(Alram & Gyselen, 2012: 54).

با وجود این، رویهٔ سکه‌های بهرام دوم تغییرات به خصوصی را نشان می‌داد. بدین‌سان آن‌ها را می‌توان در چهار دسته تقسیم‌بندی کرد. در نوع اول، تصویر شاهنشاه به مانند دیگر سکه‌های آغاز ساسانی نقر شده است. در نوع دوم، تصویر شاهنشاه و همسرش نقر شده، و در نوع سوم تصویر شاهنشاه، همسر و جانشین وی قابل مشاهده است(Herrmann and Curtis, 2002: Sasanian Rock Reliefs ; Alram & Gyselen, 2012: 50-51& 54). در نوع چهارمِ سکه‌های بهرام دوم، تصویر شاهنشاه، همسر و جانشین وی نقر شده، با این تفاوت از نوع سوم سکه‌ها که در آن‌ها، جانشین حلقهٔ شهریاری در دست دارد(لوکونین، ۱۳۷۸: ۱۸۰؛ گاریبلدی، ۱۳۹۵: ۱۴؛ Shahbazi, 1988:Bahrām II). حال آن‌که جمشید چوکسی بر این باور است که نیم-تنه‌های بی‌ریش رو در روی پادشاه یا زوج سلطنتی متعلق به ایزدبانو آناهیتا یا ورثرغنه -خدای پیروزی- است(Choksy, 1989: 133).

آلرام، سکه‌پژوه و از پژوهشگران بنام در حوزهٔ سکه‌های ساسانی که در مجموعهٔ جُنگ سکه‌های ساسانی (*Sylloge Nummorum Sasanidarum*) پژوهش‌های شایان توجهی را به انجام رسانده، بر این باور است که این طرح‌های خاص، حاکی از دل‌مشغولی شخصی شاه به مسائل

داخلی و خاندانی است(آلرام، ۱۳۹۲: ۳۲). از آن‌جا که سکه در دست مردم عادی نیز در گردش بود، بنابراین بهتر می‌توانست پیام را منعکس کند(سودآور، ۱۳۸۳: ۵۴)؛ بدین‌گونه که وجود دیگر مدعیان سلطنت، بهرام دوم را بر آن داشت تا برای قانونی جلوه دادن جانشین خود، به ضرب تصویر وی بر روی مسکوکات روی آورد و بر ولیعهدی وی تأکید داشته باشد(Herrmann & Curtis, 2002: Sasanian Rock Reliefs). از سویی، وجود نقش همسر بهرام دوم در سکه‌ها نیز از جایگاه والای وی در پادشاهی بهرام حکایت دارد.

در نمونه‌ای از سکه‌های این عصر، سیمای همسر بهرام دوم، شاپور دختک، بر روی سکهٔ درهم نقره‌ای با لفظ «شاپور دختک بانوی بانوان(Šābuhr-duxtag, *bāmbišnān-bāmbišn*)» عجین گشته است(لوکونین ۱۳۵۰: ۱۷۴؛ Choksy, 1989: 122). این عنوان نشانگر آن است که وی در میان دیگر شهبانوان از بالاترین مقام بهره‌مند بوده است(Brosius, 2000: Women I:In Pre-Islamic Persia). لوکونین بر این نظر است که در نتیجهٔ ازدواج بین بهرام دوم با نوادهٔ شاپور یکم (دختر شاپور میشان‌شاه) پادشاهی بهرام تضمین شده است(۱۳۵۰: ۱۷۵). بدین‌سان، وجود این عنوان حاکی از ارج و منزلت همسر بهرام دوم است که عنوانی هم‌ردیف وی، به ملکه اعطا شده است(سودآور، ۱۳۸۳: ۸۶). سودآور در پژوهش‌هایش به مقام والای شهبانوی بهرام دوم چنین اشاره دارد:

«در مسکوکات بهرام دوم، همسرش نیز چهره از ناهید داشت و هم‌ردیف پادشاه بود. از این رو، می‌بایست شریک او در فرمانروایی باشد. پس فرمانروایی بهرام دوم به واسطهٔ پشتیبانی همسری فرهمند، از قدرتی دو چندان برخوردار بود(سودآور،۱۳۸۳: ۸۵).

شهبانوی بهرام دوم و ولیعهدهایی که تصویر آن‌ها در کنار تصویر این پادشاه نقش شده‌اند، یا تاج‌های بلند گنبددار بر سر نهاده‌اند یا کلاه‌هایی با سر جانوران (عقاب، گراز نر، اسب، شیر) که نماد ایزدان اعطاءکنندهٔ منصب(آناهیتا، ورثرغنه) هستند(تصویر ۱۱و۱۲)، اما معنای دقیق این نمادها هنوز برای پژوهشگران امروزی چندان روشن نیست(سلوود، ۱۳۸۹: ۴۳۳؛ آلرام ۱۳۹۲: ۳۳؛ Choksy, 1989: 122).

با وجود این تنوع، می‌توان دریافت که چرا شهبانو از این‌گونه سرپوش سر استفاده می‌کرده است(Choksy, 1989: 122). برای نمونه، بر روی یک سکه طلا، ده درهم و یک ابول شهبانو با سرپوشی با نماد گراز نر، و بر روی یک سکه طلا شهبانو با سرپوش عقاب، به نمایش در آمده

است(Vasmer, 1928: 294). شاید بتوان وجود تاج‌ها و کلاه‌هایی با نمادهای حیوانی را حاکی از قدرت نیرومند ایزدی دانست که حامی حکومت و قدرت بهرام دوم بوده است. چنان‌که گراز نمادی از نیرومندی است و تجسمی از ایزد بهرام(ورثرغنه) است(آموزگار، ۱۳۹۲: ۳۰).

جدول ۱. گونه‌شناسی سکه‌های بهرام دوم(Alram & Gyselen, 2012**)**

گونهٔ ۱ Fig: Alram & Gyselen, 2012: 238	
گونهٔ ۲ Fig: Alram & Gyselen 2012: 242	
گونهٔ ۳ Fig: Alram & Gyselen, 2012: 246	
گونهٔ ۴ Fig: Alram & Gyselen, 2012: 249	

		
	گونهٔ دوم	گونهٔ اول
		
گونهٔ سوم (ج)	گونهٔ سوم (ب)	گونهٔ سوم (الف)
		
گونهٔ چهارم (ج)	گونهٔ چهارم (ب)	گونهٔ چهارم (الف)

جدول ۲. گونه‌شناسی سکه‌های بهرام دوم به همراهی ملکه

در این نمونه‌ها افزون بر زوج سلطنتی، تصویر نیم تنهٔ دیگر نیز درج گردیده است که رو به روی زوج سلطنتی حضور دارد. اغلب پژوهشگران، همچون آلرام، گاریبلدی هر چند با احتیاط وی را شاهزاده بهرام سوم در نظر می‌گیرند(گاریبلدی، ۱۳۹۵: ۱۴؛ آلرام، ۱۳۹۲: ۳۲). حال آن‌که جمشید چوکسی بر این باور است که نیم‌تنه‌های بی‌ریش رو در روی پادشاه یا زوج سلطنتی متعلق به ایزدبانو آناهیتا یا ورثرغنه –خدای پیروزی– است(Choksy, 1989: 133). اگر به پیروی از چوکسی آن تصویر را آناهیتا در نظر بگیریم در جایی که دیهیم روبان‌داری را می‌دهد نشان از آن باشد که نماد الهی را به پادشاه اعطا می‌کند(گاریبلدی، ۱۳۹۵: ۱۳). شایان ذکر است که اَپَم‌نپات

نیز حامی فرّ پادشاهان بوده است(سودآور، ۱۳۸۳: ۵۹). شاید بتوان آن را اَپَم‌نپات پنداشت چون این ایزد حامی فرمانروایان بوده است. شهبانو و شخص سوم در همهٔ تصاویر با سربندهای مختلفی از سر حیوانات به نمایش در آمده‌اند. اگر چه معنای دقیق این سربندهای حیوانی در این مسکوکات مشخص نیست. شاید بتوان چنین استنباط کرد که وجود سربندهای مختلف با سر حیوانات نمادی از قدرت و پشتیبانی بود که این خانواده تحت حمایت ایزدان مختلف آن را به دست آورده بودند. احتمال می‌رود با به تصویر در آوردن نمادهای حیوانی ایزدان مختلف در سربندهای خود خواستار نشان دادن حمایت و پشتیبانی آن‌ها بودند تا با این کار چنین نمایش دهند که قدرت آن‌ها با کمک این ایزدان در برابر دیگر مدعیان سلطنت حمایت می‌شد و آنان تحت حمایت و پشتیبانی این ایزدان بودند. شایان ذکر است که، تصویر پشت سکه‌های بهرام دوم دارای تنوع بوده است به گونه‌ای که گاه صحنه جلوس و تاجگذاری ضرب گردیده است (تصویر ۱۲). در تصویر پشت یکی از این سکه‌ها بهرام دوم در(سمت چپ) و رو به آتشگاه می‌باشد در سمت راست وی، پیکر بانویی همچون او رو به آتشگاه با کلاهی عقابی مشهود است(آلرام، ۱۳۹۲: ۳۳؛ گوبل، ۱۳۹۱: ۷۹؛ Alram & ۲۳۷ Gyselen, 2012:). این کلاه در تصویر شهبانو روی سکه نیز تکرار شده است. با توجه به پشت این سکه شاید بتوان چنین استنباط کرد که عقاب نمادی از آناهیتا بوده است(سلوود، ۱۳۸۹: ۴۳۲) که بهرام دوم توانسته بود با حمایت این ایزدبانو فره پادشاهی خود را به دست آورد و با به تصویر در آوردن شهبانوی خود –شاپوردختک– بر روی سکه نیز شاید درصدد بوده است که بتواند مشروعیت خاندانی خود را توجیه کند. کلاه با نمادهای حیوانی از جمله عقاب هم شاید نشان از آن داشت که شهبانو و ولیعهد نیز همچون پادشاه مورد حمایت و پشتیبانی این ایزدبانو و دیگر ایزدان از جمله ورثرغنه بوده‌اند. چون سکه‌ها بیشتر در گردش بودند بنابراین بهتر می‌توانستند مشروعیت و حمایت ایزدان را از پادشاه و ولیعهد در بین مردم بازگو کنند.

نتایج پژوهش

بررسی ها نشان داد با به قدرت رسیدن بهرام دوم در ۲۷۶ میلادی، از نگاه هنری، در جایگاه زنان درباریِ خاندان ساسانی تحولی ایجاد شد این تحول در انعکاس تصویر زن در سکه‌های بهرام دوم مشهود است. در تمامی ادوار دولت ساسانی، کمتر پادشاهی را می‌توان نظیر بهرام دوم یافت که تصویر زنان را بر آثار هنری منعکس کرده باشد، به گونه‌ای که یک سوم مجموع نگاره‌کنده‌ای بر جای مانده از وی مزین به تصاویری از زنان است و بر روی سکه‌های وی نیز، ملکه جایگاه

ویژه‌ای را در گونه‌شناسی سکه‌ها به خویش اختصاص داده است. از جهاتی می‌توان چنین استنباط کرد که وی در جهت کسب مشروعیت برای خود و جانشینش فرصت حضور اعضای خانواده‌اش را در نگاره‌ها و مسکوکات فراهم آورده است. گویی بهرام دوم، قدرت و شوکت خود را مدیون دو تن از شخصیت‌های پرنفوذ دربار از جمله کردیر و شهبانوی خود بوده است.افزون بر این، حضور شهبانوی بهرام دوم می‌تواند بیانگر نفوذ این بانو در دربار و تأکید بر جایگاه و منزلت والای وی باشد. بدین‌سان، بهرام دوم با پشتوانهٔ وی توانست با وجود دیگر مدعیان پادشاهی و در اوج قدرت مؤبدی نظیر کردیر، به مدت طولانی‌تری نسبت به بهرام اول و بهرام سوم به بر اریکهٔ پادشاهی تکیه زده، آن را تحکیم بخشد.

فهرست منابع و مطالعات

آلرام، میشائل، (۱۳۹۲)، نخستین سکه‌های ساسانی، *ساسانیان*، ویراستهٔ وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران: نشرمرکز.

آموزگار، ژاله، (۱۳۹۲)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت.

اوشیدری، جهانگیر، (۱۳۷۱)، *دانشنامهٔ مزدیسنا*، ویراستهٔ فریدون فاطمی و شمس لنگرودی، تهران: نشر مرکز.

بروسیوس، ماریا، (۱۳۹۲)، *ایران باستان*، ترجمهٔ عیسی عبدی، تهران: نشرماهی.

بندهش، (۱۳۹۷). گزارنده بهار، مهرداد، تهران: توس.

پرادا، ایدت، (۱۳۸۳)، *هنر ایران باستان(تمدن‌های پیش از اسلام)*، ترجمهٔ یوسف مجیدزاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حسنی، میرزا محمد، (۱۳۹۳)، *نقش برجسته‌های نویافتهٔ ساسانی*، تهران: ققنوس.

سلوود، دیوید، (۱۳۸۹)، سکه‌های ساسانی: *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۳ (۱)، ویراستهٔ احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

سودآور، ابوالعلاء، (۱۳۸۳)، *فرّهٔ ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*، ایالات متحده: نشر میرک.

طاهری، صدرالدین، (۱۳۹۶)، *نشانه‌شناسی کهن الگوها: در هنر ایران باستان و سرزمین‌های همجوار*، تهران: نشر شورآفرین.

فرای، ر.ن.، (۱۳۸۹)، تاریخ سیاسی ایران در دورهٔ ساسانیان: *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۳ (۱)، ویراستهٔ احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

گاریبلدی، آندرئا، (۱۳۹۵)، *تاریخ و سکه‌های ساسانی*، ترجمهٔ شاهین آریامنش، تهران: آریامنا.

گوبل، روبرت، (۱۳۹۱)، سکه‌زنی: تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمهٔ هوشنگ صادقی، ویراستهٔ مجید جلیلوند، تهران: علمی و فرهنگی.

لوکونین، و. گ.، (۱۳۵۰)، *تمدن ایران ساسانی*، ترجمهٔ عنایت‌الله رضا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

محمدی‌فر، یعقوب، فرهاد امینی، (۱۳۹۴)، *باستان‌شناسی و هنر ساسانی*، تهران: شاپیکان.

موسوی حاجی، سید رسول، علی اکبر سرافراز، (۱۳۹۷)، *نقش برجسته‌های ساسانی*، تهران: سمت.

نصراله‌زاده، سیروس، (۱۳۸۴)، *نام تبارشناسی ساسانیان از آغاز تا هرمزد دوم*، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

واندنبرگ، لویی، (۱۳۴۸)، *باستان شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هرتسفلد، ارنست، (۱۳۸۱)، *ایران در شرق باستان*، ترجمهٔ همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هرمان، جرجینا، (۱۳۹۶)، نقوش برجسته صخره‌ای ایران در دورهٔ ساسانی، *در بین‌النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی*، ویراستهٔ جان کرتیس، ترجمهٔ زهرا باستی، تهران: سمت.

هینتس، والتر، (۱۳۹۲)، *یافته‌های تازه از ایران باستان*، ترجمهٔ پرویز رجبی، تهران: ققنوس.

Alram, M. et Gyselen, R., (2012), *Sylloge Nummorum Sasanidarum*. Tome II. Ohrmazd I. Ohrmazd II. (paris/Berlin/Wien) [Veröffentlichungen der numismatischen Kommission, Band 53. Wien, Österreichische Akademie der Wissenschaften.

Brosius, M., (2000), "Women I: In Pre-Islamic Persia". In: *Encyclopædia Iranica*. Online, available at: http://www.iranicaonline.org/articles/Women-Pre-Islamic-Persia.

Choksy, J. K., (1989), "A Sāsānian Monarch, his queen, crown prince: the coinage of Wahrām II", *American Journal of Numismatics*, vol. 1, Pp. 117-135.

Flandin EUG. et Coste P., (1843), *Voyage en Perse*. entrepris par ordre de M. le ministre des Affaires étrangères. d'après instructions dressées par I'Institut. (dessins de Coste et

Flandin gravés par A. Guillaumot, Jacobs, Lesnier et E. Ollivier). traduit en persan 1977. Paris. 1843-1845.

Frye, R.N., (1984), *The History of Ancient Iran*. Munich.

Haerinck, E., & Overlaet, B., (2009), ‘’The Sasanian Rock Relief of Bahram II at Guyum (Fars, Iran)’’. Iranica Antiqua, 44, 531-558.

Herrmann, G., & Curtis, V. S., (2002), “Sasanian Rock Reliefs”. In: Encyclopædia Iranica. online, available at http://www.iranicaonline.org/articles/sasanian-rock-reliefs.

Herrmann G., Howell R., et Mackenzie, D.N., (1983), “The Sasanian Rock Reliefs at Bishapur: Part 3. Bishapur l, The Investiture/Triumph of Šābuhr l?, Bishapur II, Triumph of Šābuhr I and Sarab-i Bahram, Bahram II enthruned, The Rock Relief at Tang-i Qandil”. In: Iranische Denkmäler. Lieferung 11. enthaltend Reihe Il. Iranische Felsreliefs G. Berlin.

Herrmann, G., (1970), “The Sculptures of Bahrām II”. In: The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland. no.2. Pp. 165-171.

Khanipoor, M., Kanosh, H., Naseri, R., (2017), “The relief of Naqš-e Rostam and a reflection on a forgotten relief”. In: Iran, Historia I Swiat. nr 6. Pp. 55-68.

Overlaet, B., (2010), “Flower and Fire altar: fact and fiction on the Barm-i Dilak reliefs”. In: *Iranica Antiqua*. vol. XLV. Pp. 337-352.

Rezakhani, K., (2017), *ReOrienting the Sasanians : East Iran in late Antiquity*, Edinburgh university Press.

Sangari, E., (2013), *Les Femmes à l’époque Sassanide: Données Iconographiques et Sources Textuelles en Iran du III*ème *au VII*ème *Siècle apr. J.-C.* dans 2 vol. Thèse dirigée par R. Boucharlat, l’Université Lumière Lyon II. Lyon.

Shahbazi, A. Sh., (1988), “Bahrām II”. In: *Encyclopaedia Iranica*. III/5. available online at: http://www.iranicaonline.org/articles/bahram-2.

Shahbazi, A. Sh., (1998), ‘’Studies in Sasanian prosopography.III. Barm-i Dilak: symbolism of offering flowers’’, In: *The Art and Archaeology of Ancient Persia: New light on the Parthian and Sasanian Empires*, edited by, Vesta Sarkhosh Curtis, Robert Hillenbrand and J.M., Rogers, London, Pp. 58-66.

Seidl, U., (1986), “Die Elamischen Felsreliefs von Kūrangūn und Naqš-e Rustam”. In: *Iranische Denkmäler*. Lieferung 12. enthaltend Reihe II. Iranische Felsreliefs H. Berlin.

Trümpelmann, L., (1975), “Das Sasanidische Felsrelief von Darab”. In: *Iranische Denkmäler*. Dietrich Reimer Verlag. Berlin.

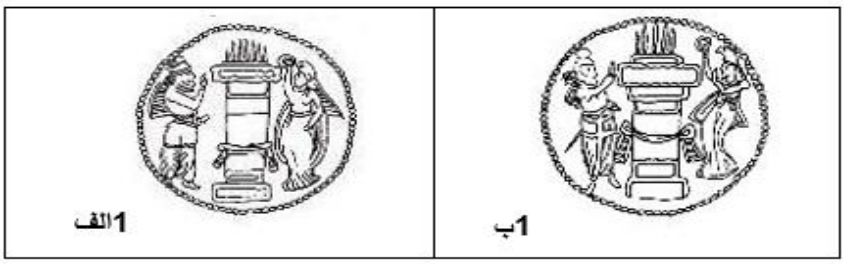
Vanden Berghe, L., (1988), “Barm-e Delak”. In: *Encyclopaedia Iranica*. vol. III. Pp.805-806.

Vanden Berghe, L., (1984), *Reliefs rupestres de l'Iran ancien*, Exposition aux musées royaux d'art et d'histoire de Bruxelles (26 octobre 1983 - 29 janvier 1984). Musées royaux d'art et d'histoire de Belgique. Bruxelles.

Vasmer, R., (1928), “Sassanian Coins in the Ermitage”. In: *The Royal Numismatic Society*. vol. 8. No 31/32. Pp.249-334.

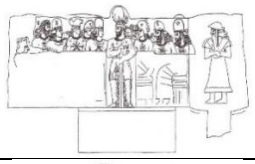
.

ضمائم:



تصویر ۱۲. طرح دو نمونه مختلف از پشت سکه‌های بهرام دوم که روی سکه با حضور ملکه منقوش شده است.

Alram, M. & Gyselen R., 2012

توضیحات	تصاویر
تصویر ۲. طرح نگاره‌کند بهرام دوم در نقش‌رستم با حضور یک زن Zeichnung E. Smekenz, Alram & Gyselen, 2012, Tofel 73, Abb. 4 a.	
تصویر ۳. طرح نگاره‌کند اردشیر اول در نقش رجب با حضور دو زن Vanden Berghe, 1984, fig. 9, p. 65	
تصویر ۴. طرح نگاره‌کند بهرام دوم در سرمشهد با حضور یک زن Trümpelmann, 1975, tafel. 7	
تصویر ۵. تصویر نگاره‌کند بهرام دوم در سرمشهد با حضور یک زن Trümpelmann 1975, tafel. 1	
تصویر ۶. طرحی از نگاره‌کند همسر (خواهر؟) بهرام دوم در سرمشهد Trümpelmann, 1975, tafel. 6	
تصویر ۷. تصویر نگاره‌کند بهرام دوم در برم دلک با حضور یک زن، عکس از شواربی	
تصویر ۸. طرح نگاره‌کند بهرام دوم در برم دلک با حضور یک زن Flandin, 1843	
تصویر ۱۱. چهار نمونه مختلف از سکه‌های بهرام دوم با حضور ملکه و ولیعهد Alram, M. & Gyselen R., 2012	